

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۰۵ اپریل ۲۰۱۶

## آیا مردم قره‌باغ قربانی رقابت‌ها و کشمکش‌های روسیه و ترکیه هستند؟!

ارمنستان و آذربایجان که هر دو از جمهوری‌های استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی هستند، چند دهه است که بر سر مالکیت منطقه قره‌باغ با یکدیگر اختلاف دارند و مرز دو کشور در این منطقه سال‌هاست که وضعیت جنگی را شاهد است.

منطقه قره باغ که در مرز این دو کشور واقع شده، اکثریتی ارمنی دارد اما از زمان شوروی سابق تحت کنترل آذربایجان بوده است. منطقه قره‌باغ در سال ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد، اما این اقدام به شکل‌گیری جنگی سه ساله منجر شد.

دو کشور در سال ۱۹۹۴، توافق‌نامه آتش‌بس امضاء کردند اما این توافق‌نامه هر از چند گاهی نقض شده است. اکنون به‌نظر می‌رسد که اختلاف دو کشور، که تاکنون باعث کشته شدن ۳۰ هزار نفر شده، با حل مسالمت‌آمیز فاصله زیادی دارد. ماه گذشته نیز خشونت‌هایی در این منطقه گزارش شده بود.



منطقه ناگورنو- قره باغ

وزارت دفاع جمهوری آذربایجان روز شنبه ۲ اپریل ۲۰۱۶ برابر با ۱۴ فروردین [حمل] ۱۳۹۵، اعلام کرد که طی درگیری‌های جمعه و شنبه این کشور با ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو-قره‌باغ اعلام کرد که طی درگیری‌ها ۱۲ سرباز این کشور کشته شده و یک فروند هلی‌کوپتر میل-۲۴ ارتش آذربایجان سرنگون شده و یک تانک این کشور بر اثر مین منهدم شده است.

خبرگزاری ترند آذربایجان نیز گزارش داد که وزارت دفاع این کشور در بیانیه‌ای از کسب پیروزی‌های جدیدی در خطوط نبرد با ارتش ارمنستان و تسلط بر ارتفاعات و مناطق مسکونی راهبردی خبر داد.

بر اساس این بیانیه، موفقیت‌های نظامی مذکور در پی پاتک نظامیان آذربایجانی در خطوط جبهه به‌دست آمده است. وزارت دفاع آذربایجان در بیانیه خود آورده است که ۶ تانک ارمنستان، ۱۵ مسلسل و سنگر مستحکم منهدم شده و بیش از ۱۰۰ نیروی نظامی ارمنستانی طی درگیری‌ها کشته و زخمی شده‌اند.

به‌نوشته ترند، پاتک نظامیان آذربایجانی پس از اقدامات تحریک‌آمیز نیروهای مسلح ارمنستان در شب گذشته انجام شده است، که به‌مرگ و مجروحیت غیرنظامیان منجر شده است. تصمیم برای انجام اقدامات متقابل در محورهای «آق‌دره-ترتار-اقدام» و «خواجه‌وند-فزولی» توسط فرماندهی نیروهای مسلح آذربایجان صورت گرفته است.

در نتیجه این عملیات، ارتفاعات مشرف به روستای تالش - که خطری را برای منطقه قربانوی و شهر نفتالان ایجاد کرده بود - و شهرک سی‌سولان تحت کنترل نظامیان آذربایجانی قرار گرفته‌اند.

همچنین ارتش آذربایجان به‌منظور حفاظت از شهر حورادیز، ارتفاع «لاله‌تپه» را به‌کنترل خود درآورده است که به‌آن اجازه می‌دهد بر منطقه وسیعی نظارت داشته باشد.

دولت ارمنستان نیز می‌گوید درگیری‌های اخیر در منطقه قره‌باغ به‌کشته و زخمی‌شدن بیش از ۵۰ نظامی ارمنی منجر شده است. «سرژ سرکیسیان» رئیس جمهور ارمنستان روز شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۵، اعلام کرد که در جریان درگیری‌های ۲۴ ساعت گذشته در قره‌باغ دست‌کم ۱۸ نظامی ارمنی کشته شده‌اند. به‌گفته وی، ۳۵ نظامی ارمنی هم بر اثر حملات ارتش آذربایجان به‌منطقه «ناگورنو-قره‌باغ» زخمی شده‌اند.

واقف دیارگاخی سخن‌گوی رسمی وزارت دفاع آذربایجان خبر داد که در طول شب روستای واقع در خاک آذربایجان و در منطقه مرزی با قره‌باغ از سوی ارمنستان مورد حملات نظامی قرار گرفته است.

واقف دیارگاخی سخن‌گوی وزارت دفاع آذربایجان، به‌خبرنگار روسی ریانوستی گفته که نیروهای هوایی ارمنستان در عرض یک شبانه‌روز ۱۳۰ مرتبه قرارداد آتش‌بس در منطقه مورد مناقشه ناگورنو-قره‌باغ را نقض کرده‌اند.

نیروهای هوایی ارمنستان با استفاده از گلوله‌های ۶۰، ۸۲ و ۱۲۰ میلی‌متری، آتشبار و خمپاره در عرض یک شبانه‌روز خط مرزی آذربایجان و ارمنستان را به‌گلوله بسته‌اند.

وزارت دفاع ارمنستان نیز صبح هنگام خبر داد که توپخانه آذربایجان مواضع ارمنستان در ناگورنو-قره‌باغ را ابتدای صبح به‌گلوله بسته است.

خبرگزاری ریانوستی روسیه، به‌نقل از وزارت دفاع آذربایجان نوشت: «اوضاع همچنان پرتنش است. طرف آذری در طول شب تلفات نداشته... روستاهای متعلق به‌جمهوری آذربایجان در خط مرزی با قره‌باغ از سوی نیروهای ارمنی مورد حمله قرار گرفته‌اند، با این حال تلفات نداشته‌اند.»

همچنین بنا به‌گزارش خبرگزاری روسیه، آذربایجان به‌طور یک‌طرفه تصمیم بر قطع عملیات نظامی و بی‌پاسخ گذاشتن حملات متقابل در مرز قره‌باغ گرفته است. خبرگزاری ریانوستی به‌نقل از وزارت دفاع آذربایجان این خبر را اعلام کرد.

موج تازه درگیری‌ها بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان با واکنش جامعه جهانی روبه‌رو شده و برخی دولت‌ها و سازمان ملل، خواستار متوقف‌شدن هرچه زودتر زدوخوردها شده‌اند.

این درگیری‌ها باعث شده تا روسیه بر فعالیت‌های دیپلماتیک خود برای میانجی‌گری بین دو کشور بیفزاید. با توجه به‌اهمیت این تنش جدید، اخیراً وزارت خارجه روسیه اطلاعیه‌ای را با تأکید به‌آتش‌بس صادر کرده، امر قابل توجه

است. ماریا زاخارووا معاون مدیر کل اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی وزارت امور خارجه روسیه، اعلام کرده است که تنش‌های کنونی در منطقه قره‌باغ جدی است زیرا علاوه بر آن که شماری در نتیجه آن کشته شده‌اند عملاً نقض توافق‌نامه آتش‌بس بین دو کشور نیز محسوب می‌شود.

پس از درگیری شدید جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مناطق مورد نزاع بین دو کشور، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه خواهان پایان فوری درگیری‌ها در خطوط مقدم منطقه ناگورنو-قره‌باغ شد. دمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین در مصاحبه با رسانه‌های روسی گفت: «رئیس جمهوری از همه طرف‌های درگیری خواست تا آتش‌بس را رعایت کنند و از خود خویشتن‌داری نشان دهند تا مانع از تلفات بیشتر شوند».

دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، به خیرگزاری اینترفکس گفت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، از دو کشور خواسته بی‌درنگ آتش‌بس ۱۹۹۴ را رعایت کنند و «با پرهیز از خشونت جلوی تلفات انسانی را بگیرند».

وزیران خارجه و دفاع روسیه تلفنی با همتایان ارمنی و آذری خود صحبت کردند. فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان هم از طرف‌های درگیر خواست «بی‌درنگ جنگ را متوقف کنند و به آتش‌بس احترام بگذارند».

وزارت خارجه حکومت اسلامی ایران از طرفین درخواست خویشتنداری کرد. دولت امریکا نیز ابراز نگرانی کرد. موگرینی مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواهان رعایت آتش‌بس از سوی همه طرف‌های منازعه قره‌باغ شد. درگیری‌ها در منطقه این نگرانی را دامن زده که موج خشونت به‌سایر مناطق سرایت کند. منطقه جنوب قفقاز محل عبور خطوط نفت و گاز است.

با نگاهی به‌بحران جدید میان ارمنستان و آذربایجان می‌توان به‌این نتیجه رسید که مسأله قره‌باغ به‌این سادگی قابل حل نیست.

دولت ارمنستان نمی‌پذیرد که آذربایجان حق قانونی کنترل بر منطقه قره‌باغ کوهستانی را دارد. آذربایجان و ارمنستان پس از فروپاشی شوروی تا کنون، به‌دلیل اشغال ۲۰ درصد از خاک آذربایجان توسط ارمنستان، جنگ چندساله‌ای را تجربه کرده‌اند. پیش از این گروه موسوم به «مینسک» مأمور تلاش برای حل این مناقشه شده بود.

حکومت اسلامی ایران و ارمنستان همکاری‌های بسیار نزدیکی در حوزه مسایل انرژی دارند. در همین حال روابط ایران و آذربایجان نیز تیره است. چرا که حکومت اسلامی ایران، همواره پشتیبان و حامی گروه‌های مذهبی است که برای سرنگونی حکومت سکولار آذربایجان تلاش می‌کند. اما اخیراً دولت حسن روحانی چندین قرارداد همکاری، به‌خصوص در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات با آذربایجان امضاء کرده است.

مسأله درگیری‌های مرزی در منطقه مورد مناقشه قره‌باغ سابقه تاریخی داشته و موضوع تازه‌ای نیست. اما این تنش جدید از شدت بیشتری برخوردار است. طرفین در گذشته مواضع خود را کم و بیش درباره آتش‌بس رعایت می‌کردند و مورد خاصی نبود. اما در درگیری اخیر تعداد کشته‌ها و میزان شدت درگیری، حائز اهمیت است. می‌توان گفت میزان کشته‌ها نسبت به‌آنچه در گذشته روی داد، سابقه نداشت.

با توجه به‌این‌که دولت روسیه عضو گروه موسوم به‌مینسک بوده، طبیعتاً باید از یک موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کند. گرچه در مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با هر کدام از جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان متفاوت عمل می‌کند. در واقع رویکرد روسیه در حوزه نظامی بیشتر تر معطوف به‌ارمنستان بوده و بعضاً نقش حامی لجستیکی را بازی کرده است و یکی از متحدان نظامی ارمنستان به‌حساب می‌آید. در حوزه اقتصادی نیز با توجه به‌شرایط آذربایجان، به‌خصوص در حوزه نفت و گاز، روسیه هواره تلاش کرده بتواند از موقعیت بهتری نسبت به‌شرکت‌های غربی در

آذربایجان برخوردار باشد. البته رویکرد اول آذربایجان، نزدیکی به غرب است. رفتار روسیه در مناسبات دوجانبه با هر یک از طرفین درگیر، معطوف به فضیه قرهباغ متفاوت است. روسیه سعی کرده در مواضع رسمی نسبت به قرهباغ به عنوان یک کشور میانجی‌گر ظاهر شود. اما سران روسیه در مناسبات دوجانبه‌شان، هیچ‌گاه رویکرد ژئوپولیتیک خود را کنار نگذاشته‌اند.

جمهوری آذربایجان از توسعه مناسبات ایران با ارمنستان به‌ویژه در عرصه تأمین نیازهای گازی این کشور توسط ایران ناخرسند است از این‌رو، همواره از حمایت حکومت اسلامی ایران از ارمنستان انتقاد می‌کند. با توجه به این‌که قرهباغ هم نطقه مرزی شمال ایران است، اما حکومت اسلامی ایران، به‌هیچ‌وجه صلاحیت ندارد نقش میانجی را میان ارمنستان و آذربایجان ایفاء کند.

در حال حاضر ایران و ارمنستان در راستای تبادل انرژی با یکدیگر همکاری می‌کنند. یعنی به‌ازای صادرات گاز ایران، برق از ارمنستان وارد می‌شود. تداوم درگیری‌ها آیا بر مسایل اقتصادی در حوزه انرژی و نیرو میان تهران و ایروان اثرگذار است.

در چارچوب مذاکره‌های گروه مینسک، مسایلی از قبیل یک نوع خودمختاری عالی برای منطقه قرهباغ بیان شده است. در آذربایجان بعضاً با نگاه‌های تاکتیکی در مذاکرات، شرایطی مطرح می‌کنند. مقامات آذربایجان می‌دانند که پذیرش شرایط جدید برابر با تغییر قانون اساسی آذربایجان است و عملاً این کشور در چارچوب فدرالیسم قرار می‌گیرند. اووه هالباخ کارشناس مسائل قفقاز در بنیاد علم و سیاست برلین که در حوزه مسائل قفقاز فعالیت می‌کند، به‌دوچپ‌هوله گفته است: «آذربایجان و ارمنستان پس از فروپاشی شوروی تاکنون به‌دلیل اشغال بیست درصد خاک آذربایجان توسط ارمنی‌ها جنگ ۴ ساله‌ای را تجربه کردند.

او می‌افزاید: «لفاظی‌های نظامی در ماه‌های اخیر تشدید شده است. آذربایجان همیشه اعلام کرده که کاسه صبرش از اقدامات بی‌نتیجه دیپلماتیک لبریز شده و گزینه نظامی را دور از انتظار نمی‌بیند. این کشور اکنون در مسابقه تسلیحاتی از ارمنستان پیشی گرفته است. بودجه نظامی آذربایجان برابر است با کل بودجه ارمنستان. ارمنستان هم اعلام می‌کند که برای جنگ آماده است و ادعا می‌کند که در جنگ قبلی ظرفیت نظامی آذربایجان بالاتر از ارمنستان بوده، اما این کشور جنگ را باخته است.»

کارشناس بنیاد علم و سیاست در ادامه صحبت‌هایش نتیجه می‌گیرد که هر دو طرف بر طبل جنگ می‌کوبند. هالباخ، هم چنین خاطر نشان می‌کند: «این به‌معنای این نیست که هر دو کشور در آستانه جنگ قرار گرفته باشند. اما در مناطق جنگی که آتش‌بس اعلام شده و در منطقه‌ای حدود ۱۸۰ کیلومتر بین قرهباغ کوهستانی و خطوط مرزی آذربایجان، می‌تواند تحرکات جنگی انجام بگیرد.»

هالباخ همچنین می‌گوید، در جون سال ۲۰۱۲ در محلی به‌دور از منطقه مورد مناقشه قره باغ کوهستانی هم درگیری رخ داده است.

این کارشناس معتقد است که جامعه جهانی در حل مناقشه قرهباغ کوهستانی موفقیتی نداشته است. اما وی تأکید می‌کند که با وجود درخواست جامعه جهانی از طرفین درگیر برای خروج تکتیراندازان از مرزها هر دو طرف این تکتیراندازان را مستقر کرده‌اند.

هالباخ، همچنین به‌دوچپ‌هوله گفته که: «تجربه گرجستان به‌ما می‌آموزد که جامعه جهانی در مناقشه قرهباغ کوهستانی باید فعال‌تر عمل کند و مانع درگیری نظامی بین آذربایجان و ارمنستان شود. به‌نظر من باید از یکسو جلو تهدیدهای

نظامی آذربایجان گرفته شود و از سوی دیگر، بهارمنستان فشار وارد آید و صریحا گفته شود که بالاخره از هفت استان اشغالی که در اطراف قرهباغ کوهستانی واقع شده‌اند، عقب‌نشینی کند».

مناقشه قرهباغ کوهستانی فقط بر سر مسأله جدائی خود قرهباغ نیست، بلکه این مناقشه و بحران بر سر ۷ استان جمهوری آذربایجان است که از سوی نیروهای ارمنی تحت اشغال قرار دارد و اکثر جنگ‌زدگان و مهاجرین از همین مناطق اشغالی به‌باکو رانده شده‌اند».

کارشناس بنیاد علم و سیاست برلین که سال‌هاست پیرامون مناقشه قرهباغ در رسانه‌های المان مقاله می‌نویسد، توضیح می‌دهد که در مناقشه قرهباغ مشکل اصلی خود قرهباغ نیست، بلکه ۷ استان اشغالی جمهوری آذربایجان است که باید ارتش ارمنستان آن را تخلیه کند جمهوری آذربایجان خروج ارتش ارمنستان از منطقه اشغالی را پیش شرط اصلی مذاکرات با ارمنستان می‌داند و جامعه جهانی نیز از این خواست این کشور حمایت می‌کند. اما از سوی دیگر جمهوری آذربایجان نباید مدام تهدید به‌جنگ بکند و هم‌زمان خواستار تخلیه مناطق اشغالی شود.

هالباح نتیجه می‌گیرد که مناقشه قرهباغ یکی از مشکل‌ترین چالش‌ها است. وی به‌حل این بحران در کوتاه مدت خوشبین نیست و معتقد است که جامعه جهانی باید بر این مناقشه نظارت بکند تا مانع بروز جنگ شود.

کنعان علی‌اف، رئیس بخش آذری رادیو آزادی مستقر در شهر پراگ نیز به‌دوچپ‌هوله گفته که در جمهوری آذربایجان، مردم جنگ نمی‌خواهند، چون که تحت شرایط جنگی رنج می‌برند و سرزمین آن‌ها تحت اشغال قرار دارد. دولت اکنون برای آزادی مناطق اشغال‌شده این کشور حاضر است، جنگ بکند. بین ارمنستان و آذربایجان از ۲۰ سال پیش تا به‌حال شرایط نه صلح و نه جنگ حاکم است.

این روزنامه‌نگار آذری می‌افزاید: «روزبه‌روز توان نظامی آذربایجان به‌دلیل درآمدهای میلیاردی نفت و گاز بیشتر می‌شود. دالرهای نفتی این امکان را به‌جمهوری آذربایجان داده است که توان نظامی خود را افزایش دهد. جمهوری آذربایجان ارمنستان را وادار می‌کند که به‌مسابقه تسلیحاتی دست بزند. این مسأله سبب تضعیف ارمنستان شده است. در تبلیغات رسمی دولت آذربایجان آمده است که توان نظامی آذربایجان آن‌قدر بالاست که این کشور آماده آزادسازی مناطق اشغال شده خود است».

به‌باور کنعان علی‌اف، مناقشه ایران با امریکا و ارسال سرباز از سوی جمهوری آذربایجان به‌افغانستان نیز فاکتورهای مهمی هستند و موقعیت جمهوری آذربایجان را تقویت کرده است، همین مسأله سبب شده است که با وجود مشکل حقوق بشر و محدودیت آزادی مطبوعات در آذربایجان امریکا از دولت آذربایجان پشتیبانی کند.

کنعان علی‌اف به‌دوچپ‌هوله می‌گوید، روسیه در ارمنستان پایگاه نظامی دارد و ادامه مناقشه بین ارمنستان و آذربایجان به‌نفع این کشور است و مسأله قرهباغ می‌تواند به‌مناقشه‌ای درازمدت مثل مشکل قبرس تبدیل شود که همچنان لاینحل مانده است.

وی اضافه می‌کند: «مناسبات ایران و آذربایجان اکنون در مقایسه با ۲۰ سال گذشته اکنون بدتر از همیشه است. ایران در مسأله قرهباغ نقش منفی دارد و به‌دلیل حمایت حکومت اسلامی ایران از ارمنستان، مردم و دولت جمهوری آذربایجان از حکومت اسلامی ایران ناراضی هستند».

**آیا مردم قرهباغ قربانی رقابت‌ها و کشمکش‌های روسیه و ترکیه هستند؟! بر اساس گمانه‌زنی‌های ارائه شده در این سطح تحلیل، در مقطع کنونی به‌دلیل همراهی باکو با آنکارا پس از سقوط جنگنده روس توسط ترکیه و سفر اخیر الهام علی‌اف به‌ترکیه متعاقب به‌تاخیر افتادن دیدار اردوخان از باکو در پی انفجارهای اخیر در آنکارا و جنگ دولت و ارتش ترکیه**

در مناطق کردنشین، مسکو با قرار گرفتن در پشت صحنه این درگیری‌ها قصد تذکر به‌باکو را دارد تا در شرایط تنش میان روسیه و ترکیه به‌سوی ترکیه نرود.

لازم به‌ذکر است که پس از تحریم ترکیه توسط روسیه، باکو امکان استفاده از مسیر زمینی و دریائی خود را برای تریلرهای ترکیه‌ای جهت رسیدن به‌آسیای مرکزی تسهیل کرده بود که این امر نیز موجب ناخرسندی دولت روسیه شده بود. البته در این سطح تحلیل، عکس این گمانه نیز قابل طرح است و آن این که ترکیه با چنین اقداماتی درصدد ضربه به‌دولت روسیه باشد. در این گمانه با توجه به‌شکست سیاست‌های آنکارا در سوریه به‌دلیل حضور مؤثر روس‌ها در میدان عملیاتی، ترکیه تلاش می‌کند تا با باز کردن یک جبهه جدید در همسایگی روسیه فشارها بر همپیمانان خود در سوریه را کاهش دهد.

به‌تازگی رئیس‌جمهور آذربایجان پس از چند سال برای شرکت در اجلاس امنیت هسته‌ای به‌امریکا دعوت شده و با مقامات امریکائی دیدار نموده است. هم‌زمان خبرگزاری‌ها از قصد واشنگتن برای اعزام یک تیپ زرهی جدید به‌شرق اروپا برای مقابله با مسکو خبر داده‌اند. علاوه بر این خبرگزاری روسی اسپوتنیک از یک کودتای نافرجام در ارمنستان خبر داده است. مجموع تحولات صورت گرفته بیانگر یک کشمکش جدید میان مسکو و واشنگتن است. تجربه‌ای شبیه آن‌چه در اوکراین اتفاق افتاد.

روسیه، که در مجموع از همگرایی آذربایجان با غرب خشنود نیست، بخش مهمی از توان هوائی خود را از سوریه خارج نموده و آماده یک رویارویی جدید در مرزهای خود است. مناقشه اخیر در قره‌باغ آغاز این رویارویی است. با توجه به‌ژئوپلیتیک حوزه تنش، مسلماً گسترش ناامنی در این منطقه می‌تواند در درازمدت پیامدهای منفی برای همه بازیگران منطقه‌ئی و فرامنطقه‌ئی به‌دنبال داشته باشد. یکی از عواقب این وضعیت، ایجاد بستری مناسب برای توسعه تروریسم، به‌ویژه داعش در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است.

هیأت‌های ترکیه در ماه‌های اخیر راهی باکو شدند، همچنین رجب طیب اردوخان رئیس‌جمهور مستبد ترکیه گفته است اگر «عملیات تروریستی مستمر در شهرهای ترکیه نبود قصد آمدن به‌آذربایجان» را داشت.

عاملان اصلی وضعیت فعلی ترکیه، دولت و ارتش سرکوبگر ترکیه و در رأس همه اردوخان است که تروریسم دولتی و غیردولتی، سرکوب‌های هولناک و جنگی نابرابری را به‌مردم این کشور، به‌ویژه مردم کرد و پ.ک.ک تحمیل کرده است.

اردوخان جنون قدرت و ثروت و خود بزرگبینی دارد و این مسأله در صحنه رفتار سیاسی‌اش از جمله در سال ۱۹۹۸ آشکار بود. او گفته بود: مساجد ما پادگان‌های ماست، گنبد‌های ما کلاه خود ماست، گلدسته‌های ما نیزه‌های ماست، نماز گزاران ما، سربازان ما هستند، این ارتش مقدس از دین ما حفاظت می‌کند.

سیاست او آن بود که «خداوند، شریک نمی‌پذیرد، حکومت شریک قبول نمی‌کند پس همه باید این را به‌خوبی بدانند. این‌گونه بود که کاخ جدید ریاست جمهوری با هزینه ۶۰۰ میلیون دالری با مساحت ۲۰۰ هزار متر مربع و هزار اتاق ساخته شد که نگهبانان آن یونیفورم جنگی ارتش امپراتوری عثمانی را به‌تن دارند.

سلطان جدید عثمانی وقتی دستور سرنگون ساختن جنگنده روسیه در ۳ آذر ماه [قوس] ۱۳۹۴-۲۴-۲۰۱۵ را داد، نمی‌دانست این حماقت باعث کاهش نفوذش در سوریه و بسته‌شدن مرز هوائی سوریه با پیشرفته‌ترین سامانه‌ی پدافند ضد هوائی روسی به‌نام «اس-۴۰۰» در برابر هواپیماهای جنگی خواهد شد.

یک احتمال این است که دولت ترکیه تحریک‌کننده جنگ جدید میان آذربایجان و ارمنستان بوده است. شاید این‌بار اردوخان می‌خواهد با دامن‌زدن جنگ میان آذربایجان و ارمنستان در منطقه مورد منازعه قره‌باغ، روسیه را

به عقب‌نشینی و ادار سازد و از فشارهای اقتصادی و سیاسی و امنیتی آن بر ترکیه بکاهد. این موضوع به‌ویژه به‌خاطر وجود پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان بسیار خطرناک است و این کشور عضو سازمان معاهده امنیت گروهی است. همچنین این امکان وجود دارد که منازعه مزبور باعث جذب جنگ‌جوه‌های کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به‌ویژه اوکراینی‌ها شود.

«سرگئی شویگو» وزیر دفاع روسیه به‌منظور خاموش کردن آتش تنش میان آذربایجان و ارمنستان با همتیانش در این دو کشور تماس گرفته است.

«سرگئی لاوروف» وزیر امور خارجه روسیه نیز اقدامی مشابه با دو همتای آذربایجانی و ارمنستانی خود انجام داد. «سیمون بگداساروف» مدیر مرکز پژوهش‌های خاورمیانه و آسیای میانه گفت: ارتش آذربایجان خلاف دفعات گذشته منتظر رویدادهای غافل‌گیرکننده زیادی است...

قرار است تماس‌هایی فوری میان کرملین با الهام علی‌اف رئیس جمهور آذربایجان و سرج سرکیسیان رئیس جمهور ارمنستان در این منطقه حساس از دنیا و مقابله با تلاش به‌منظور انتقال منازعه سوریه و شرق اوکراین به آن انجام شود. وزارت امور خارجه ارمنستان از موضع‌گیری ترکیه نسبت به‌درگیری‌های قره‌باغ انتقاد کرده و آن را تنش‌زا خواند. به‌گزارش اسپوتنیک، وزارت امور خارجه ارمنستان روز یکشنبه، از موضع‌گیری ترکیه در رابطه با درگیری‌های قره‌باغ انتقاد کرده و اعلام کرد حمایت ترکیه از آذربایجان شرایط منطقه را بی‌ثبات خواهد کرد.

«ساووش کوچاریان» معاون وزیر امور خارجه ارمنستان اعلام کرد ترکیه به‌دنبال وقوع درگیری نظامی میان آذربایجان و ارمنستان است. او افزود حمایت آنکارا از آذربایجان از جمله کارهایی است که دولت «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه برای گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و درگیری در منطقه، انجام می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به‌رشد گروه‌های مسلح اسلامی، همچون داعش در منطقه خاورمیانه می‌تواند زمینه فعالیت و جذب نیرو برای آن‌ها را فراهم کند؛ به‌گونه‌ای که ما امروز شاهد هستیم که این گروه‌ها برای حفظ و بقای خود از تاکتیک جابه‌جایی در مناطق جغرافیایی ناامن بهره می‌گیرند.

زمانی حدود ۲۰ سال پیش، طرح جابه‌جایی سرزمینی مطرح بود که از جانب طرفین رد شد. سپس چگونگی تشکیل یک وضعیت جدید از طریق مذاکرات گروه مینسک مطرح شد. بعداً حتی بحث ایجاد کریدورها یا تونل‌هایی میان ارمنستان و قره‌باغ مطرح شد که در روی سطح زمین تماس با آذربایجان حفظ گردد اما از طریق مسیرهای زیرزمینی، قره‌باغ بتواند با ارمنستان تماس و ارتباط داشته باشد. به‌همین دلیل، نمی‌توان با سیاست فشار و تغییر توازن موجود بین طرفین درگیر آن هم در کوتاه‌مدت به‌یک راه‌حل دست یافت. موضع حق تعیین سرنوشت، بازگشت آوارگانی که به‌نسل دوم رسیده‌اند؛ هویت حقوقی، چارچوب امنیتی، ثبات واقعی، تقویت اصل مسالمت‌آمیز همسایگی و شکل‌دادن به‌یک ثبات دوستی و صلح پایدار در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... مسایلی هستند که در مقابل طرفین قرار دارند. در مذاکرات هیأت‌های سیاسی طرفین درگیر با گروه مینسک آن‌ها قدرت مانور خود را بر شاخص‌های تفاهم غیررسمی دنبال می‌کنند. یعنی تاکنون طرفین تاکتیک‌های مختلفی را برای خرید زمان و انزوای مواضع یکدیگر را در پیش گرفته‌اند.

همچنین ارمنستان از متحدان روسیه به‌شمار می‌آید و در مقابل آذربایجان از کشورهای نزدیک به‌ترکیه است. مسکو و آنکارا از اواخر سال گذشته در پی حمله جنگنده‌های ترکیه به‌یک جنگنده روس در آسمان سوریه روابط تنش‌آلودی داشته‌اند و رابطه دیپلماتیک بین آن‌ها به‌پایین‌ترین سطح رسیده است.

منطقه قفقاز در اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل وجود حدود ۵۰ ملیت و گروه‌های فرقه‌ای با تمایزهای فراوان و مذاهب مختلف از اهمیت زیادی برای بحث ملیت‌ها برخوردار است. اختلافات ملی یکی از دلایل اصلی بروز مناقشات و بحران‌ها در قفقاز پس از فروپاشی شوروی بوده است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند که قرن بیست و یکم همانند قرن گذشته، عرصه تعارضات و تنازعات ملی خواهد بود و احتمالاً در آینده بحران‌های ملی و هویتی گسترش خواهد یافت. در نتیجه این منطقه با منازعات و تحولات سیاسی-امنیتی بیش‌تری دست به‌گریبان خواهد شد. در چنین موقعیتی، جمهوری‌های به‌جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی و به‌ویژه منطقه قفقاز از ابعاد مختلف قابل مطالعه و بررسی است.

جدا از این تعاریف مختلف از «قوم و قوم‌گرایی، ملیت و ملیت‌گرایی» به‌عنوان یک معضل جدی در فراگرد روند دولت‌سازی و ملت‌سازی در دوران مدرن سرمایه‌داری مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. این موضوع همانند دیگر مفاهیم انسانی که دارای ماهیتی تغییر پذیر است در عین حال، این مسأله از جنبه‌های انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز یک تهدید بزرگ است. بسیاری از بحران‌های امروز جهان، در چارچوب کیفیت تعامل سه عنصر ملیت، قدرت و حکومت تبیین است.

تافلر هزاره سوم را هزاره «قومیت‌ها» خطاب کرده و پیش‌بینی می‌کند که اعضای سازمان ملل متحد در این هزاره به‌سبب عضو افزایش خواهد یافت. هنری کیسنجر، قرن ۲۱ را قرن ملت‌های بدون دولت نامیده و دیکی کریستوفر این مسأله را همراه با مخاطرات بسیار برای نظام بین‌الملل عنوان کرده است. بر این اساس می‌توان گفت که اعتقاد به عنصر ناسیونالیسم به‌عنوان عاملی تنش‌زا برای سیستم بین‌المللی به‌تدریج به ادبیات روابط بین‌الملل وارد شده است.

هانتینگتون که بعدها خوش‌بینی نومحافظه‌کاران قانون اساسی‌گرا را تا حد زیادی نفی کرد؛ پیش‌بینی نظری او بر «برخورد تمدن‌ها» ناظر است. این نگرش حاکی از آن است که گرایش‌های ملی-فرقه‌ای و فرهنگی به‌احتمال زیاد زمینه‌ساز تعارض و برخورد فرهنگی می‌شود. او عقیده دارد که تنش‌ها و منازعات جدی در آینده از بحران هویت در ملت‌ها نشئت خواهد گرفت.

برخی سیاست‌مداران در دوران شوروی استدلال می‌کردند که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور دولت‌های ملی جدید براساس تمایزات هویتی و ملی به‌متنازعات ملی در این منطقه پایان خواهد داد. چرا که شوروی بیش از همه روس‌گرا بود و ملیت‌های دیگر چنین موقعیتی نداشتند. اما افزایش کشمکش‌های سیاسی و حتی نظامی میان این دولت‌های جدید به‌ویژه در منطقه قفقاز نقطه پایانی بر این نظرات محسوب می‌شد.

لنین امپراتوری تزارها را زندان ملت‌ها توصیف کرده بود. لنین و نیز ستالین که مسؤول و کمیسر امور ملیت‌ها بود بر حداکثر خود مختاری ملی به‌عنوان راه شکوفایی ملت‌ها، تأکید می‌نمودند. «پلاتفرم بلشویک‌ها در خصوص مسأله ملی، مبتنی بر حق خود مختاری ملی بود. بلشویک‌ها به‌ویژه مخالف فدرالیسم و خودمختاری فرهنگی بودند». بلشویک‌ها می‌کوشیدند حق خودمختاری ملی را به‌عنوان اصل سیاست ملی مطرح سازند. اما رهبران بلشویک در مقابل واقعیت‌های موجود، مجبور به برقراری نوعی سازش بین تئوری سیاسی و عمل سیاسی شدند.

هویت‌های ملی در قالب تشکیلات اداری می‌بایست با سازمان حکومتی متمرکزی هم‌خوانی پیدا می‌کردند. حکومت مرکزی نیرومند، عهده‌دار تأمین همبستگی و ارتباط تمامی هویت‌های ملی بود که قالبی شبه حکومتی داشتند.

سومین کنگره سراسری شوراه‌ها، نقطه عطفی در تاریخ شوروی است. بدین معنی که حکومت بلشویکی حاکمیت خود را بر سراسر خاک امپراتوری روسیه سابق، برقرار کرده بود.

کنگره با تأیید نظریه لنین در مسأله ملی، یادآور شد که «از طریق چنین سیاستی است که امکان ایجاد شرایط یک اتحاد واقعا با دوام و داوطلبانه بین عناصر ملیت‌های متفاوت پرولتاریای بین‌المللی وجود دارد». در سال ۱۹۲۲، بلشویک‌ها



طرح «تشکیل فدراسیونی مرکب از کلیه ملل شوروی را پیشنهاد کردند و حتی لنین که تا سال ۱۹۱۷ مخالف پروپا قرص راه حل فدرالیسم برای روسیه بود و آن را عامل دوام اختلافات ملی می‌دانست، رضایت به تشکیل فدراسیون داد». بدین ترتیب در مراحل اولیه استقرار اتحاد جماهیر شوروی، فدرالیسم پذیرفته شد. در برداشت اولیه به‌ویژه نزد لنین، ملت‌ها می‌توانستند در حوزه‌های ملی به سیاست‌گذاری بپردازند. از جمله مهم‌ترین این حوزه‌ها، حوزه فرهنگی بود. به تبع ایجاد فدرالیسم در حاکمیت شوروی، نظام‌ها و حوزه‌های خودمختاری کوچک‌تری نیز شکل گرفت که تابع مقتضیات و مصلحت‌های خاص سیاسی بودند.

در دوران حاکمیت ستالین، ابتداء بر تساوی ملت‌ها که اساس فدراسیون ۱۹۲۰ را تشکیل می‌داد، تأکید می‌شد. اما ستالین قانون اساسی ۱۹۲۴ را مورد ارزیابی مجدد قرار داد. قانون اساسی سال ۱۹۳۶، جنبه‌های فدرالیستی بسیار قوی و قدرت‌مندی داشت. در این قانون، ملت همپای دولت با حاکمیت ملی تعریف می‌شد، و ملت‌های کوچک‌تر که شرایط لازم را برای اعمال حق حاکمیت ملی نداشتند، ولی در عین حال دارای ساختار حکومتی خود بودند، جمهوری‌های «خودمختار» نام گرفتند. در دوران ستالین جمهوری‌های خود مختار نیز وضعیتی مشابه دیگر جمهوری‌ها داشتند. تغییرات اجتماعی که هدفش از میان بردن ویژگی‌ها و هویت ملی بود، در مورد همه و در همه جا به اجرا در آمده بود. در عملکرد ستالین در این دوران می‌توان دو سیاست متفاوت را مشاهده کرد: اول، احترام ظاهری به ملت‌های تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی؛ دوم، میل باطنی به از بین بردن کلیه علل وجودی ملی‌گرایی. تحقق وجه دوم را می‌توان در تصفیه‌ها و کشتارها و تبعیدهای سال‌های ۱۹۲۰ و بعد از آن، روشنفکرانی را از بین برد که مخالف سیاست‌های ستالین بودند. این تصفیه‌ها گسترده و طولانی که در جمهوری‌های مختلف به‌گونه‌ای پایه‌ای و اساسی صورت گرفت در دوران جنگ جهانی دوم نیز یکبار دیگر این مسأله تکرار شد. یعنی اجرای این سیاست نسبت به ملیت‌های مختلف، و تقسیم قفقاز به سه جمهوری سوسیالیستی سابق، یعنی گرجستان، ارمنستان و آذربایجان و برخی مناطق خودمختار، سبب اتحاد سیاسی نگردید، زیرا مرزبندی‌های موجود و تقسیم‌بندی‌های نابرابر ملی، نژادی، دینی و مدنی، با این اتحاد سیاسی تناقض داشت. جنگ جهانی دوم، ستالین را بر آن داشت تا با ورود عناصر جدیدی مانند لزوم «همبستگی‌های ملی، مذهبی و تاریخی» برای احساسات ملی و مسئولیت‌های ملی نوعی هرم ارزشی تعیین کند. هر می که در رأس آن روس‌ها قرار داشته باشند. برای توجیه‌پذیر کردن این سیاست، تلاش‌های زیادی به‌لغای جایگاه برجسته ملت «روس» نسبت به سایر ملت‌ها و تداوم آن، به مرحله اجراء درآورد. با هدف شبیه‌سازی و یکسان‌سازی فرهنگی تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفت که به تدریج، فرهنگ روس بر سایر فرهنگ‌ها برتر شد و فدراسیون به صورت جامعه‌ای در آمد که در آن «برادر بزرگتر» (روسیه) بر امور تسلط یافت. تسلطی که هر چند در ابتداء نسبی بود، ولی عامل زمان و نسبیت و محدودیت را آهسته‌آهسته کاهش داد.

پس از سقوط جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان و استقرار حاکمیت مسکو بر این مناطق، مسأله قره‌باغ در چارچوب سیاست‌های کلی نسبت به ملیت‌ها به‌طور موقت حل شد. ارامنه معتقدند که ستالین با هدف خارجی خشنود ساختن ترکیه و بسط روابط با این کشور و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با مسلمانان از طریق جمهوری آذربایجان، قره‌باغ را به آذربایجان واگذار کرد. از هدف‌های عمده دیگر ایجاد مشکلات ارضی و مرزی برای جمهوری‌های مختلف به‌عنوان مانع در راه گرایش‌های استقلال‌طلبانه آن‌ها از اتحاد جماهیر شوروی بود تا سبب شود که رهبران و مردم این جمهوری‌ها را در زمانی که به فکر جدائی از شوروی می‌افتند، به این اندیشه وا دارد که در مسیر جدائی و یا پس از آن، با بحران‌ها و جنگ‌هایی در رابطه با برخی از مناطق مواجه خواهند شد.

ستالین با تعیین خطوط مرزی در قره‌باغ و دیگر مناطق، به‌صورتی که اهداف فوق را تأمین نماید و با استفاده از سیاست سانسور و سرکوب، ترور و وحشت، توانست تا حد زیادی به‌طور موقت به‌اهداف خود دست یابد.

بعد از مرگ ستالین، دوران ستالین‌زدائی، شروع شد و در این دوران، که «اعاده حیثیت ملت‌ها» نیز نامیده شده، تجدیدنظر در شیوه عملکرد فدراسیون صورت گرفت. افزایش میزان صلاحیت جمهوری‌ها در خصوص مراجع قضائی و قانون‌گذاری در سال ۱۹۵۷ و افزایش اختیارات شورای وزیران جمهوری‌های عضو اتحاد جماهیر شوروی، باعث تشدید احساسات ملی در پاره‌ای از مناطق، به‌ویژه قره‌باغ گردید. در زمان حاکمیت خروشچف، ارامنه قره‌باغ چندین بار هیأت‌های گوناگونی را به‌مسکو و ایروان فرستادند که مسکو اعتنائی به‌آن‌ها نکرد و دولت ارمنستان نیز آن‌ها را طرد نمود. از این‌رو، ارامنه قره‌باغ در اوائل سال ۱۹۶۳، طی طوماری خواهان رسیدگی به‌وضعیت‌شان شده و از خروشچف تقاضای الحاق قره‌باغ به‌ارمنستان را نمودند. با این همه، خروشچف که در آغاز زمامداریش نشان داده بود که خواهان تجدیدنظر در سیاست‌های ستالینی از جمله در امور ملیت‌هاست و وانمود می‌کرد که می‌خواهد در روش‌های خشن نسبت به‌امور ملیت‌ها بازنگری کند، خیلی زود متوجه شد که توجه به‌احساسات ملی و اعطای امتیاز به‌ملیت‌ها، نه تنها مسأله را حل نخواهد کرد، بلکه باعث تشدید احساسات ملی و رشد ناآرامی‌های ملی خواهد شد. بدین جهت توجهی به‌درخواست آنان نکرد و مسأله قره‌باغ نیز دست نخورده باقی ماند.

نیکیتا خروشچف، اگر چه در بسیاری از اهداف فراملی و نیز سیاست خارجی تجدیدنظر کرد، و تغییراتی به‌وجود آورد ولی بسیاری از مسائل داخلی فدراسیون، همچنان حل نشده باقی ماند. در شکوائیه‌ای که اهالی ارمنی ساکن قره‌باغ در ۱۹ ماه می ۱۹۶۴ به‌خروشچف دادند بر تداوم اعمال سیاست تبعیض و تجاوز آذربایجانی‌ها علیه ارمنی‌ها اعتراض شده بود.

همچنین در این شکوائیه، از خروشچف خواسته شده بود که تصمیمی جهت الحاق منطقه قره‌باغ کوهستانی به‌جمهوری ارمنستان اتخاذ گردد و یا به‌گونه‌ای این منطقه از حاکمیت آذربایجان دور شود. ولی به‌دلایل اشاره شده، تقاضا و خواست‌های ارامنه مورد توجه قرار نگرفت.

ارامنه که از تقسیمات دوره ستالین و واگذاری قره‌باغ کوهستانی به‌جمهوری آذربایجان ناخشنود بودند با استفاده از فرصت همواره اعتراضات خود را به‌رهبران مسکو منتقل می‌کردند.

در سال ۱۹۶۸، گروهی از ارامنه که از عملکرد «حزب دانشناک» راضی نبودند و سیاست‌های رادیکال‌تری داشتند، از این حزب جدا شدند و تشکیلات جدیدی به‌نام «حزب اتحاد ملی ارمنستان» را تأسیس کردند. از اهدافی که این حزب جدید اعلام داشت، «ایجاد یک دولت ارمنی مستقل بود». با این‌که این حزب، ضد شوروی و سوسیالیست رادیکال بود، با این‌همه برای رسیدن به‌اهداف خود، در صدد برآمد که در چارچوب قانون اساسی شوروی - که حق جدائی تمامی جمهوری‌های متحد را به‌رسمیت شناخته بود - عمل کند.

یکی از نخستین اقداماتی که این حزب به‌عمل آورد، آماده کردن و انتشار نقشه «ارمنستان بزرگ» بود. این نقشه در عمل شامل شرق ترکیه، برخی مناطق شمال غربی ایران، قره‌باغ علیا، نخجوان و استپ‌های موجود در بخش جنوبی جمهوری آذربایجان می‌شد. ارمنستان بزرگ مناطق بین دریای خزر و دریای سیاه را در بر می‌گرفت. این حزب بین ارامنه خارج از ارمنستان از پشتیبانی زیادی برخوردار گردید. اما در سال ۱۹۷۰، «کا.گ.ب» (پلیس مخفی شوروی) تمامی کادرها و رهبران آن حزب را بازداشت کرد که از بین آن‌ها، دو نفر یعنی «ساون باغداساریان» و «استفان زاتگیان» را به‌جرم خراب‌کاری و فعالیت علیه دولت، در سال ۱۹۷۱ اعدام نمود. با این‌همه، برخی از اعضای شاخه نظامی حزب، از تعقیب کا.گ.ب، گریختند و به‌فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند.

عدم موافقت با خواسته‌های ارمنه مبنی بر واگذاری نخجوان و قره‌باغ به ارمنستان، ارمنیان را سخت آزرده خاطر کرده بود و حتی سبب بروز اعتراض‌های مردمی در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵ در قره‌باغ و ایروان نیز شده بود که البته سرکوب گردید. با این وجود، ارمنه تنها اقلیت ملی بودند که خلاف تأکید صریح مارکسیسم-لنینیسم، اجازه ابراز احساسات ملی را داشتند. به‌ویژه احساسات ضد ترکیه، که با وجود رابطه همسایگی بین شوروی و ترکیه، حتی اعضای حزب و مقامات دولتی نیز در سال‌روز قتل‌عام ارمنه، فعالیت می‌کردند. ارمنه در کشورهای مختلف در قاره‌های آسیا، اروپا و امریکا پراکنده بودند. سیاست شوروی مبنی بر دادن اجازه برای بروز احساسات ملی برقراری ارتباط بین برخی از اتباع ارمنی شوروی با ارمنه کشورهای دیگر و بهره‌برداری از این امر در جهت اهداف خارجی خود بود. پس از سقوط خروشچف، در دوران حاکمیت برژنف، آندروپوف و چرنینکو نیز تغییرات مهمی در اوضاع قره‌باغ به‌وقوع نپیوست. ولی اختلافات بین آذربایجانی‌ها و ارمنه همچنان ادامه داشت. اتفاق مهم دیگری در این دوران در ارتباط با قره‌باغ به‌وقوع نپیوست، تا این‌که در سال ۱۹۸۵، میخائیل گورباچف به‌دبیر کلی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزیده شد.

پس از سقوط اتحاد شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، رقابت منطقه‌ای میان ایران و ترکیه برسر نفوذ در آذربایجان شروع شد. در حالی که ایران به‌وابستگی‌ها و نزدیکی‌های مذهبی و فرهنگی با آذربایجان تأکید می‌کرد، ترکیه به‌مسأله زبان تأکید داشت و به‌منظور تقویت ناسیونالیسم غیرمذهبی غربی، مشوق اصلاحات سیاسی و فرهنگی در آذربایجان شد. در این رقابت، غرب از ترکیه حمایت می‌کرد. محافل پان‌ترکیست در ترکیه و باکو در تلاش بوده‌اند تا اندیشه طرح هویت ترکی برای آذربایجان ایران را احیاء کنند. بروز جنگ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان کمابیش به‌این تلاش‌ها سایه افکند و از اهمیت این مسأله کاسته شد.

طرفداران نظریه پان‌ترکیست در امپراتوری عثمانی، روسیه تزاری و شوروی تلاش کردند تا مفاهیمی چون آذربایجان واحد را به‌عنوان یک واقعیت تاریخی مطرح کنند.

از لحاظ تاریخی سابقه تفکر پان‌ترکیسم را به‌دوران حیات امپراتوری عثمانی مربوط دانسته‌اند در حالی‌که پان‌آدریسم از اواخر قرن بیستم پیدا شده است. از سوی دیگر، پان‌آدریسم را حرکتی برای اتحاد دو آذربایجان (جمهوری آذربایجان و مناطق آذری‌نشین ایران) تعریف کرده‌اند؛ اما پان‌ترکیسم در پی ایجاد «ترکستان» بزرگ است.

با وجود این از لحاظ اندیشه، فعالان طرفدار ملیت‌گرایی آذری از تئورسین‌ها و مبلغین اندیشه ناسیونالیسم تأثیر می‌پذیرند. ناسیونالیست‌های آذری زیربنای فکری خود را از منابع و مبانی پان‌ترکیسم گرفته‌اند و تحت تأثیر این ایدئولوژی قرار دارند. به‌این ترتیب، پان‌آدریسم و پان‌ترکیسم از لحاظ مبانی فکری و عقیدتی، از مبانی واحدی برخوردارند و از مشترکات هر دو، نژادپرستی است.

کسانی همچون ضیاء گوک‌آلپ، احمد آق‌ایف و یوسف آچورا در زمره بنیان‌گذاران اندیشه پان‌ترکیسم هستند و ریشه آن نیز به‌دوران اواخر امپراتوری عثمانی و «نهضت ترکان جوان» و قتل‌عام ارمنه می‌رسد. به‌همین دلیل، هیچ‌گونه تعلق به‌جامعه آذری‌ها ندارد.

پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی سیاسی غیرمذهبی است و یکی از جنبه‌های آن، تسری فرهنگ ترکی به‌همه زمینه‌های زندگی اجتماعی است.

ترکیه، همواره در تلاش به‌منظور دامن‌زدن به‌منازعه سی ساله میان آذربایجان و ارمنستان است که در آن زمان منطقه ناگورنو-قره‌باغ جدائی خود را از آذربایجان اعلام کرد.

حدود شش ماه پیش، روزنامه گولوس ارمنی چاپ ایروان نوشته بود: ما اکنون در یک گرداب تاریخی هستیم. تنش‌ها میان روسیه و ترکیه مستقیماً به ارمنستان مربوط می‌شوند و بار دیگر «مسئله ارمنستان» را روی میز می‌گذارند. مجموعه‌ای از مطالبات تاریخی در ارتباط با قتل‌عام ارمنه در سال ۱۹۱۶ میلادی و اشغال سرزمین‌های ارمنی از سوی حکومت ترکیه در اوایل قرن بیستم میلادی.

روزنامه گولوس ارمنی افزود: این جنگ رخ نخواهد داد زیرا هدف مسکو جنگ کردن نیست بلکه بازگشت پایدار به منطقه قفقاز جنوبی است.

گولوس ارمنی ادامه داد: ارمنستان در کنار روسیه است. روابط دو کشور به دلیل دین مشترک تاریخی است و از قرن‌ها قبل ارمنستان برای دفاع از مرزهایش در برابر حملات ارتش عثمانی از روسیه کمک می‌خواست است. ارمنستان اجازه استقرار یک پایگاه نظامی روسیه را در خاک خود داده است و قبل از هر چیز باید توجهش را به بهینه‌سازی و آمادگی ارتش خود معطوف کند زیرا در یک شرایط بحرانی، ترکیه برای بازی با کارت قره‌باغ-علیا تردید نخواهد کرد، یعنی این‌که بار دیگر در این قلمروی محصور ارمنی‌نشین استقلال در خاک جمهوری آذربایجان که از سال ۱۹۹۴ اعلام استقلال کرده است، جنگ به راه خواهد انداخت.

گولوس ارمنی، در پایان تأکید می‌کند که ارمنستان میان دو کشور دشمن ترکیه و جمهوری آذربایجان احاطه شده است. بنابراین، هشاری ناگهانی روسیه در مورد ترکیه باید منجر به هوشیاری مسکو در رابطه با جمهوری آذربایجان نیز شود، کشوری که در معرض خطر نفوذ افراط‌گرایان بوده و می‌تواند به یک بمب ساعتی واقعی در منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شود.

از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان که با ترکیه و روسیه روابط گرمی دارد مدت‌هاست در موقعیت دشواری قرار گرفته است. در واقع، با توجه به مشکلات اقتصادی و قیمت پائین نفت، این کشور نفت و گاز خیز به همکاری با ترکیه و نیز روسیه نیاز دارد.

سایت اوراسیا نت نوشت: در حال حاضر، باکو از یک سیاست خارجی چند جانبه پیروی کرده و احتیاط می‌کند. جمهوری آذربایجان پیشنهاد داده که برای برطرف کردن تنش میان روسیه و ترکیه نقش میانجی را ایفاء کند.

در واقع، هم ترکیه و هم روسیه، در راستای منافع اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی، از اهرم‌های فشار سیاسی و اقتصادی بر آذربایجان و ارمنستان برخوردار هستند. از سوی دیگر، دولت آذربایجان از رخنه جنگ‌جویان اسلامی مسلح که می‌توانند از سوریه و ترکیه و ایران و اوکراین وارد منطقه شوند، بیم دارد.

«رجب طیب اردوخان» رئیس جمهور ترکیه، اعلام کرد که آنکارا تا پایان منازعه قره‌باغ از آذربایجان در قبال ارمنستان حمایت می‌کند. این اظهار نظر پس از آن صورت می‌گیرد که طی درگیری‌های دو روز گذشته میان ارتش آذربایجان و نظامیان ارمنستان در منطقه قره‌باغ تاکنون تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشته است.

اردوخان، گفت: «ما برای پیروزی برادران آذربایجانی خود در این درگیری‌ها با کمترین خسارات ممکن دعا می‌کنیم.» به این ترتیب، منطقه قره‌باغ به میدان نزاع روسیه و ترکیه بدل شده است. روسیه صرفاً از ارمنستان برای جلوگیری از تقویت روند همگرایی آذربایجان با غرب و جذب این کشور به ساختارهای اقتصادی و امنیتی مشترک‌المنافع از قبیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و پیمان امنیت دستجمعی و کاهش نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی به‌ویژه در آذربایجان بهره می‌برد. در واقع روابط روسیه و ترکیه قبل از وقوع حوادث اخیر و سقوط سوخوی روسی توسط جنگنده ترکیه‌ئی بسیار خوب بود. اما به دنبال بروز تنش اخیر، روسیه از اهرم ارمنستان برای تأثیر بر ترکیه استفاده می‌کند. با وجود

تقویت استحکامات نظامی روسیه در ارمنستان که پایگاه نظامی روسیه برای مدت ۴۹ سال تعیین شده، بعید به نظر می‌رسد مقابله نظامی رودررو بین روسیه و ترکیه رخ دهد.

یک احتمال دیگر نیز این است که پوتین با هدف تأثیرگذاری بر باکو به منظور عدم نزدیکی بیش از حد به آنکارا آتش درگیری‌ها را در منطقه قره‌باغ شعله‌ور کرده است، از سوی دیگر به باکو این پیام را می‌دهد که اگر به اتحادیه اقتصادی اوراسیا بپیوندد، مسکو می‌تواند بخش زیادی از اراضی اشغالی این کشور را که تحت نظارت ارمنستان قرار دارد آزاد سازد.

روسیه با ارمنستان مرز مشترک ندارد ولی ترکیه دارای مرز ششصد کیلومتری با ارمنستان است، در عین حال با وجود عدم ارتباط زمینی دو کشور و نداشتن رابطه میان این دو، ترکیه از طریق گرجستان قریب سیصد میلیون دالر به ارمنستان صادرات دارد و این امر برای ارمنستان حائز اهمیت است. به هر حال ترکیه با وجود برخی اختلاف مواضع با امریکا و غرب، تنها نیست و متحد آن‌هاست و این سبب درک عمیق روس‌ها از کم و کیف رویکردش در قبال ترکیه است.

در هر صورت به احتمال زیاد دوباره آتش‌بس برقرار خواهد شد؛ زیرا این بحران بین‌المللی شده و باید در نهایت توسط گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا حل و فصل شود.

قره‌باغ اعلام استقلال کرده، اما هیچ کشوری در دنیا استقلال آن را به رسمیت نشناخته است. منطقه قره‌باغ از طرف جامعه جهانی بخشی از خاک جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود، اما تحت تسلط ارمنی‌های ساکن این منطقه است. طبق آخرین اخبار و گرایش‌ها، با وجود این‌که آذربایجان آتش‌بس یک‌طرفه اعلام کرده است: روز یکشنبه وزارت دفاع جمهوری آذربایجان اعلام کرد که این کشور برای نشان دادن «حسن نیت» خود تصمیم به اجرای آتش‌بس گرفته است، اما اگر ارتش ارمنستان به «اعمال تحریک‌آمیز» خود ادامه دهد همه مناطق اشغال‌شده توسط ارتش ارمنستان «آزاد خواهند شد».

اما طرفین همدیگر را به ادامه درگیری‌ها متهم می‌کنند. در این میان، معاون سیاسی و امنیتی استاندار آذربایجان شرقی، در مصاحبه با خبرنگاران ضمن اشاره به کشمکش نظامی میان نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه کوهستانی قره‌باغ گفت که در ساعت ۱۹ روز شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۵-۳ اپریل ۲۰۱۶، «سه گلوله انفجاری (خمپاره) به نزدیکی یکی از روستاهای شهرستان خداآفرین (در استان آذربایجان شرقی) اصابت کرده است».

به گفته سعید شبستری خیابانی، این اتفاق موجب خسارت به یکی از تیرهای برق فشار قوی و قطع برق در منطقه شده و غیر از این خسارت مالی و جانی دیگری به بار نیامده است.

معاون سیاسی و امنیتی استاندار آذربایجان شرقی گفت که در پی برخورد گلوله‌های انفجاری به بخشی از خاک ایران مرزبانی استان با دو طرف کشمکش نظامی در مرز ملاقات کرده و به آن‌ها «تذکر جدی و اخطار رسمی» داده است. شبستری گفت که دو طرف متعهد شده‌اند که چنین اتفاقی دیگر تکرار نشود.

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در باره قره‌باغ کوهستانی، اعلام کرد که سه‌شنبه ۵ اپریل ۲۰۱۶، جلسه ای برای رایزنی در خصوص افزایش وخامت اوضاع در این منطقه برگزار می‌کند.

جمیز والیک، یکی از رؤسای این گروه از امریکا در میکرو بلاگ خود در تویتر نوشت: «رؤسای سازمان امنیت و همکاری اروپا دوشنبه در وین دیدار می‌کنند تا سه‌شنبه اجلاس گروه مینسک در خصوص از سرگیری خشونت در قره باغ کوهستانی تشکیل شود».

کارگروه موسوم به گروه مینسک در سال ۱۹۹۲ توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) برای حل مشکل قرهباغ تأسیس شده است. ایگور پاولوف از روسیه، جیمز والیک از آمریکا و پیر آندریو از فرانسه ریاست مشترک این گروه را بر عهده دارند.

درگیری میان دو کشور بر سر ناگورنو-قرهباغ در فوریه ۱۹۸۸ و زمانی آغاز شد که این منطقه خروج خود را از آذربایجان شوروی اعلام و ادعای استقلال کرد. در همین حال ارمنه قرهباغ، خودشان اعلام استقلال کرده‌اند و خود را «جمهوری قرهباغ» می‌نامند. به عبارت دیگر، ارمنه قرهباغ از اصل پیوستن به ارمنستان به صورت رسمی خودداری کرده‌اند. از سوی دیگر، مردم قرهباغ نیز مواضع خود را دارند و همواره در راستای اهداف و سیاست‌های ارمنستان حرکت نکرده‌اند. چرا که آن‌ها خود را طرف اصلی صحنه می‌دانند.

منطقه «ناگورنو قرهباغ» آذربایجان با ۱۵۰ هزار ساکن در منطقه‌ای به وسعت ۱۲ هزار کیلومتر مربع، از زمان پایان جنگ تمام عیار تحت کنترل نیروهای ارمنی قرار دارد. در این جنگ بیش از ۳۰ هزار نفر کشته و حدود یک میلیون نفر آواره شدند.

تلاش‌های بین‌المللی برای میانجی‌گری تاکنونی، تنها توانسته اندکی بهبود این وضع کمک کند. ادامه یافتن درگیری‌ها یک ضربه اقتصادی برای ارمنستان بود؛ زیرا به دنبال ادامه یافتن درگیری‌ها، ترکیه مرز خود را به روی این کشور بست و تنها مرزهای گرجستان و ایران به روی ارمنستان باز بود.

ناگورنو-قرهباغ منطقه‌ای در قفقاز جنوبی است. این منطقه از غرب با ارمنستان، از جنوب با ایران و از شمال و شرق با جمهوری آذربایجان هم مرز است.

بی‌تردید هیچ انسان ضدجنگ و طرفدار آزادی و برابر و عدالت اجتماعی و صلح، نمی‌تواند در این جنگ طرفین درگیر را بگیرد اما می‌تواند این جنگ‌افروزی از هر طرف باشد را صریحاً محکوم کند و در جهت برقراری فوری آتش‌بس و مذاکره سیاسی برای حل مسأله ارضی تلاش نماید.

کاش می‌شد به جای دشمنی بین آذری‌ها و ارمنه عشق و دوستی و رفاقت و همزیستی مسالمت‌آمیز مانند داستان قدیمی و عشق «علی و نینو» برقرار شود!

علی و نینو یکی از شاهکارهای ادبیات جهان است. کتابی با نیروی بسیار جذاب و زیبا انسانی‌ست. داستان عاشقانه علی شیروانشیر، جوان مسلمان اشراف‌زاده، و نینو کیپریانی، دختر بازرگان مسیحی در آذربایجان زمان انقلاب روسیه و جنگ نخست جهانی روی می‌دهد. عشق علی و نینو از همه مرزهای ملی و مذهبی و سنت و اخلاقی درمی‌گذرد و پیام‌آور عشق و زیبایی و همبستگی است.

رمان علی و نینو، تصویر رنگین و جذابی از جهان و روابط فرهنگی برابری طلبانه به دست می‌دهد که متأسفانه دیگر نیست و با این همه یادش تا امروز هم جذاب باقی مانده است.

دوشنبه شانزدهم فرودین [حمل] ۱۳۹۵-چهارم اپریل ۲۰۱۶